

یادداشت

امنیت انرژی و توهم مسیرهای جایگزین

بازخوانی ریسک در شریان‌های تجارت جهانی انرژی

سید رضا حسینی

کارشناس انرژی

یکی از دیرپاترین مفروضات ژئوپلیتیک انرژی آن بوده است که تنوع بخشی به مسیرهای انتقال، ضامن ارتقای امنیت انرژی است. بر همین مبنا، کشورها در دهه‌های گذشته میلیاردها دلار برای احداث خطوط لوله، توسعه بنادر صادراتی و خلق کریدورهای جایگزین سرمایه‌گذاری کرده‌اند تا وابستگی خود را به گلوگاه‌های راهبردی مهار کنند. اما تحولات اخیر، از تنگه هرمز تا باب‌المندب، نشان می‌دهد که این گزاره، دست‌کم در صورت‌بندی کلاسیک خود، دیگر به‌تنهایی تاب‌آوری در برابر واقعیت‌های ژئوپلیتیک را ندارد. مسیرهای جایگزین، لزوماً امنیتی جایگزین نمی‌آفرینند؛ گاه تنها جغرافیای ریسک را جابه‌جا می‌کنند. این همان چیزی است که می‌توان آن را «توهم مسیر جایگزین» نامید؛ این تصور که احداث یک خط لوله، بندر یا کریدور جدید، به‌تنهایی می‌تواند آسیب‌پذیری ژئوپلیتیکی تجارت انرژی را برطرف کند. حال آنکه در شبکه در هم‌تنیده تجارت جهانی انرژی، ریسک نه لزوماً حذف، بلکه از گلوگاهی به گلوگاهی دیگر منتقل و میان اجزای شبکه بازتوزیع می‌شود. از این منظر، امنیت انرژی در جهان امروز دیگر صرفاً در حجم ذخایر، ظرفیت تولید یا شمار مسیرهای صادراتی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه در توان یک شبکه برای جذب شوک، تغییر مسیر، مهار اختلال و تداوم جریان انرژی در متن بحران معنا می‌یابد.

از هرمز تا باب‌المندب: وقتی مسیر جایگزین، ریسک را جابه‌جا می‌کند

عربستان سعودی نمونه‌ای روشن از محدودیت نگاه کلاسیک به مفهوم مسیر جایگزین است. این کشور پس از جنگ نفتکش‌ها در دهه ۱۹۸۰، با هدف کاهش وابستگی صادرات نفت به تنگه هرمز، خط لوله شرق-غرب را توسعه داد تا نفت مناطق شرقی را به بندر بنیع در دریای سرخ منتقل کند. این زیرساخت برای سال‌ها نمادی از مدیریت موفق ریسک ژئوپلیتیکی تلقی می‌شد؛ زیرا امکان تداوم صادرات را در صورت اختلال در هرمز فراهم می‌کرد. اما تشدید ناامنی در دریای سرخ و حملات به کشتی‌های تجاری و نفتکش‌ها در محدوده باب‌المندب، آسیب‌پذیری پنهان این راهبرد را آشکار کرد. نفتی که از طریق خط لوله شرق-غرب از هرمز فاصله گرفته بود، برای رسیدن به بسیاری از بازارهای جهانی همچنان به دریای سرخ، باب‌المندب و کانال سوئز وابسته می‌ماند؛ مسیرهایی که خود به کانون‌های تازه‌ای از ریسک ژئوپلیتیکی بدل شدند. به بیان دیگر، عربستان توانست وابستگی خود به هرمز را کاهش دهد، اما از منطفی گلوگاه‌ها رهایی نیافت؛ ریسک حذف نشد، بلکه جغرافیای ظهور آن تغییر کرد.

پایان نگاه نقطه‌ای: امنیت انرژی در عصر بیوستگی

برای دهه‌ها، هرمز، باب‌المندب و کانال سوئز گلوگاه‌هایی مستقل تلقی می‌شدند؛ اما امروز حلقه‌های یک زنجیره جهانی‌اند و اختلال در هر یک، پیامدهایی در سراسر شبکه ایجاد می‌کند. بحران دریای سرخ این واقعیت را آشکار کرد. تغییر مسیر کشتی‌ها از سوئز به دماغه امیدنیک، تجارت را متوقف نکرد، اما زمان حمل، مصرف سوخت، بیمه و هزینه حمل‌ونقل را افزایش داد. از این منظر، ریسک انرژی تنها کاهش عرضه نیست؛ گاه انرژی موجود است، اما رساندن آن به مقصد پرهزینه‌تر و شکننده‌تر می‌شود. به این ترتیب، ژئوپلیتیک به متن اقتصاد انرژی راه یافته و امنیت دریایی، بیمه، زمان انتقال و انعطاف‌پذیری لجستیکی به مؤلفه‌های امنیت انرژی بدل شده‌اند. از همین رو، جهان انرژی از «منطق مسیر» به «منطق شبکه» گذر می‌کند؛ جایی که ارزش یک زیرساخت نه در وجود منفرد آن، بلکه در میزان اتصال، انعطاف‌پذیری و توان آن برای حفظ تداوم کل زنجیره معنا می‌یابد.

فراتر از مسیر جایگزین: حرکت به سوی تاب‌آوری انرژی

مسیرهای جایگزین خطا نیستند، خطا، تلقی آنها به‌عنوان راه‌حل نهایی است. خطوط لوله، بنادر و کریدورهای متنوع همچنان ابزارهای مهم امنیت انرژی‌اند، اما ابزار کاهش آسیب‌پذیری هستند، نه تضمین مصونیت در برابر بحران. امنیت واقعی آنگاه شکل می‌گیرد که این مسیرها در معماری فراگیرتری از خطوط لوله، بنادر، ناوگان حمل‌ونقل، ذخایر راهبردی، پوشش بیمه‌ای، فناوری‌های پایش و دیپلماسی فعال انرژی به یکدیگر پیوند بخورند. هدف نیز حذف کامل ریسک نیست؛ بلکه ساختن ظرفیتی برای جذب شوک، مهار اختلال و استمرار جریان انرژی است. اگر در گذشته رقابت انرژی بر سر منابع بود و سپس به رقابت بر سر مسیرها کشیده شد، اکنون میدان اصلی رقابت، تاب‌آوری شبکه‌های انرژی خواهد بود. تحولات هرمز و باب‌المندب نشان می‌دهد که امنیت انرژی محصول یک مسیر نیست؛ محصول یک شبکه است. در عصر جدید انرژی، مزیت راهبردی نه در داشتن یک «مسیر جایگزین»، بلکه در توانایی طراحی و استقرار شبکه‌ای تاب‌آور برای جذب، توزیع و مدیریت ریسک نهفته است.

آیا به لحظه «تصمیم سخت» رسیده‌ایم؟

طبق مطالعات بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، اصلاح قیمت انرژی به عواملی مانند شرایط اقتصاد کلان، وضعیت خانوارها، اعتماد عمومی، نحوه اطلاع‌رسانی دولت‌ها، طراحی حمایت از اقتشار آسیب‌پذیر و نحوه مصرف منابع حاصل از سیاست اصلاحی بستگی دارد. عواملی که هیچ‌یک از آنها اکنون در میهن‌مان مهیا نیست. اصلاح قیمت انرژی البته چنان‌که گفته شد، اجتناب‌ناپذیر است و ادامه وضعیت فعلی حتی در بازه زمانی چندماهه هم دیگر ممکن نیست. اجباری که اما الزامات آن نیز باید فراهم شود. با این حال، در اقتصادی که اکنون حدود نیمی از ۴۰۰ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی آن صرف بارانه می‌شود (۱.۵ میلیارد دلار بارانه آرد و نان، ۶.۴ میلیارد دلار بارانه کالابرد، ۷۰ میلیارد دلار بارانه سوخت مایع، ۱۸ میلیارد دلار بارانه برق، ۸۷ میلیارد دلار بارانه گاز، دو میلیارد دلار بارانه نقدی و ۵۱ میلیارد دلار بارانه آب یعنی ۲۰۰ میلیارد دلار بارانه در سال)– دنیای اقتصاد– (۱۴/۵/۲۴) و دچار تحریم‌های شدید و تنگناهای اجتماعی و انسداد سیاسی است و در میانه یک جنگ قرار دارد، اصلاحات اقتصادی با مولفعی جدی مواجه است. مولفعی از جنس اقتصاد سیاسی که ذی‌نفعان بزرگ انحصاری و معیشتی و سیاست خارجی (کاسبان تحریم) را در بر می‌گیرد.

۴– اکنون نه می‌توان منتظر اصلاحات نهادی و آماده‌سازی‌های اجتماعی و... ماند و نه بی‌تدار به آب زد و در شرایط جنگ و تحریم اقدام به افزایش قیمت سوخت و... کرد؛ از این‌رو در شرایطی چنین ناگزیر باید یک تصمیم بزرگ گرفت و گره را از جایی باز کرد. به نظر می‌رسد تغییر ریل در سیاست خارجی و احیای تفاهم‌نامه اسلام‌آباد گره‌گاز تصمیم‌گیری است. گره‌ای که در اخبار یکی، دو روز و اخیر بارقه‌هایی از گشودن آن با دفاع سرسختانه رؤسای دو قوه مجریه و مقننه، بیشترین ارتباط را با جامعه دارند و دارای دستگاه‌ها و سازوکارهای تصمیم‌سازی‌اند، مشاهده می‌شود. حمایت اخیر و چندباره آقای خامنی که نمایندگی بخش بزرگی از جریان‌های اصلاح‌طلب و بدنه اجتماعی را دارد و البته شمار بسیاری دیگر از سیاست‌مداران و نخبگان اقتصادی و اجتماعی و ایران‌دوستان نیز از تفاهم‌نامه می‌تواند در گرگ‌شاهی در این بزنگاه تاریخی مدد‌رسان باشد. آیا به لحظه اتخاذ آن تصمیم بزرگ سخت رسیده‌ایم که ریشه در زمین سفت واقعیت نه باورهای غیرواقعی دارد و میان امنیت و توسعه، عزت و مصلحت، استقلال و تعامل، توازن برقرار می‌کند تا در «جک این د باکس»مان نه هیولاهای ترس‌آور بلکه موجوداتی شادی‌آور و حیات‌بخش خارج شود؟ امید که چنین شود.

شرق: تورم مواد غذایی در بازار ایران سه‌رقمی شده و مصرف انواع کالاهای اساسی را بنا بر روایت تولیدکنندگان ریزشی کرده است. تولیدکنندگان می‌گویند کاهش مصرف مواد غذایی در کشور در حدی بوده که در مواردی نیاز به واردات کالا را برطرف کرده و برنامه افزایش تولید را در واحدهای تولیدی فعلاً متوقف کرده است. با این حال، غلامرضا نوری‌قرزلجه، وزیر کشاورزی، می‌گوید جنگ و تورم باعث رشد افسارگسیخته قیمت مواد غذایی شده است. در آنالیز عوامل افزایش قیمت مواد غذایی که وزارت کشاورزی ارائه داده است، رشد قیمت برخی نهاده‌های تولید گاهی به ۳۵۰ درصد می‌رسد و هزینه تولید مواد غذایی در ایران را گزاف کرده است.

شکاف تورم مواد غذایی از تورم عمومی

جدیدترین آمارهای مرکز آمار ایران نشان می‌دهد تورم نقطه به نقطه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها در تیرماه ۱۴۰۵ به ۱۲۸.۱ درصد رسیده است؛ رقمی که از تورم عمومی ۸۷.۹درصدی کشور فاصله درخور توجهی دارد. بر این اساس، هزینه خرید یک سبد ثابت مواد غذایی نسبت به مدت مشابه سال گذشته بیش از دو برابر شده و همین موضوع سبب شده است سرانه مصرف انواع کالاهای اساسی در کشور کاهش قابل ملاحظه‌ای داشته باشد. حالا براساس گزارش تشکل‌های صنفی تولیدکنندگان مواد غذایی، مصرف انواع گوشت قرمز و سفید و تخم‌مرغ بین ۲۵ تا ۵۰ درصد کاهش داشته و سرانه مصرف لبنیات سقوط قابل توجهی را تجربه کرده و از حدود صد کیلوگرم در ابتدای دهه ۹۰ خورشیدی، به ۴۰ کیلوگرم در حال حاضر رسیده است. در همین زمینه فرزاد طلاکش، دبیرکل فدراسیون طیور کشور، در اردیبهشت امسال گفته که علت کمپا‌نشدن مرغ در بازار، کاهش مصرف بوده است. او در ادامه از کاهش ۲۵ تا ۳۰درصدی سرانه مصرف گوشت مرغ در کشور خبر داده و به تجارت‌نیزز گفته که جوجه‌ریزی هم به همین میزان کم شده است و اگر شرایط اقتصادی به‌گونه‌ای بهتر شود که مصرف گوشت مرغ افزایش داشته باشد، میزان کنونی جوجه‌ریزی کفایت نمی‌کند و نسبت عرضه و تقاضا به‌هم می‌ریزد و قیمت هم به تبع آن بالا خواهد رفت. در همین زمینه رضا مصری، دبیر انجمن تولیدکنندگان زنجیره گوشت مرغ، در مرداد امسال به باشگاه خبرنگاران جوان گفته است که «براساس میزان تولید ماهانه ۲۳۰ تا ۲۴۰ هزار تن مرغ و تولید سالانه دومیلیون و ۷۰۰ هزار تن و جمعیت کشور، سرانه مصرف ۲۵ تا ۲۷ کیلوگرم است».

این میزان سرانه مصرف مرغ البته در سال‌های گذشته روند کاهشی را پشت سر گذاشته و از حدود ۳۲ کیلوگرم در سال ۱۳۹۹ به حدود ۲۵ تا ۲۷ کیلوگرم در سال جاری رسیده است. کاهش سرانه مصرف مرغ در حالی رخ می‌دهد که سالیان سال گوشت مرغ در سفره ایرانیان جایگزین گوشت قرمز شده بود. وضعیت بازار گوشت قرمز به مراتب نامساعدتر بوده است. مسعود رسولی، دبیر انجمن صنعت بسته‌بندی گوشت و مواد پروتئینی کشور، در خرداد ۱۴۰۵ به مهر گفته است که کشور امسال نیاز به واردات گوشت قرمز ندارد؛ زیرا «بازار تقاضا نسبت به سال گذشته حدود ۵۰ درصد کاهش یافته، از این‌رو جمعیت دام داخل تمام نیاز بازار به گوشت قرمز را تأمین می‌کند». او همچنین در ادامه گفته است: «آمار جوجه‌ریزی فروردین ۱۴۰۴ حدود ۱۶۰ میلیون قطعه بود و این آمار در فروردین ۱۴۰۵ حدود صد میلیون قطعه گزارش شد. بنابراین بین ۳۰ تا ۴۰ درصد تولید گوشت مرغ کاهش پیدا کرده است». این تجربه در بازار تخم‌مرغ نیز تکرار شده است. حمیدرضا کاشانی، رئیس اتحادیه مرکزی مرغداران میهن، در بهمن سال گذشته به ایلنا از کاهش ۴۰درصدی مصرف تخم‌مرغ پس از حذف ارز ترجیحی خبر داده است. همچنین محمد فرید، سخنگوی انجمن صنایع لبنی ایران، به ایسنا گفته که مصرف لبنیات در سال جاری حدود ۱۰ درصد کاهش داشته است.

علی آکسان ظفری، مدیرعامل اتحادیه تعاونی‌های لبنی نیز در مرداد امسال به باشگاه خبرنگاران جوان گفته است: «در حال حاضر متوسط سرانه مصرف لبنیات به کمتر از ۴۰ کیلوگرم رسیده، این در حالی است که سرانه مصرف لبنیات در سال ۸۹ به بیش از صد کیلوگرم می‌رسید. همچنین براساس آمار، در سال ۸۹ در کشور هزارو ۲۰۰ واحد فعال لبنی داشتیم که اکنون به کمتر از ۲۵۰ واحد رسیده است».

رشد چشمگیر هزینه‌های تولید، تورم خوراکی‌ها را در بازار کشور سه‌رقمی کرد

آنالیز گرانی غذا



سید رضا حسینی

تاثیر جنگ و تورم بر بازار مواد غذایی

کاهش درخور توجه مصرف مواد غذایی در شرایطی رخ می‌دهد که غلامرضا نوری‌قرزلجه، وزیر کشاورزی، در یک نشست خبری اخیر خود توضیح داد که در طول جنگ بازار مواد غذایی با کمبود مواجه نشده است، اما تولیدکنندگان می‌گویند بخشی از علت این ماجرا به تورم سه‌رقمی مواد غذایی و کاهش مصرف مردم برمی‌گردد. با این حال وزیر کشاورزی رشد قابل توجه قیمت مواد غذایی در بازار ایران را تحت تاثیر عواملی خارج از برنامه‌ریزی وزارت کشاورزی دانست و گفت که جنگ و تورم تاثیر قابل ملاحظه‌ای روی هزینه تمام‌شده قیمت مواد غذایی داشته است. وزارت کشاورزی در ادامه به تحلیل شاخص‌هایی پرداخت که باعث افزایش قابل ملاحظه مواد غذایی شده‌اند. براساس گزارشی که این وزارتخانه به خبرنگاران ارائه کرد، جنگ سبب شده است قیمت‌های پایه کالاهای اساسی در بازار جهانی بین ۱۰ تا ۲۰ درصد افزایش داشته باشد. همچنین کرایه‌های حمل بین‌المللی کالا بین ۱۲۰ تا ۲۰۰ درصد افزایش را تجربه می‌کند؛ به‌عنوان مثال هزینه حمل کالا از کراچی به تفتان قبل از جنگ دو هزار دلار بود و بعد از جنگ به پنج‌هزار و ۵۰۰ دلار افزایش داشته است. همچنین هزینه حمل کامیون از مرسین ترکیه به تبریز که قبل از جنگ ۹۵۰ دلار بود، هم‌اکنون به دوهزار و ۲۰۰ دلار صعود داشته است یا هزینه حمل یک کانتینر از هند به ایران که قبل از جنگ دو هزار دلار بود، هم‌اکنون به شش هزار دلار صعود کرده است.

به‌جز این، پس از جنگ در خلیج فارس، هزینه‌های جانبی جدیدی به حمل کالا افزوده شده است؛ هزینه‌هایی که از جانب انسداد تنگه هرمز یا اعمال محاصره دریایی و بیمه کشتی‌ها به حمل کالا تحمیل کرده‌اند حدود هشت درصد به هزینه حمل کالا افزوده‌اند. براساس گزارش وزارت کشاورزی، جنگ همچنین هزینه ریسک تجارت و حمل را به قیمت کالا و مواد غذایی تحمیل کرده است؛ به‌عنوان مثال فروشندگان خارجی که قبل از جنگ به تحویل کالا در بنادر ایران متعهد بودند، پس از جنگ و با محاصره دریایی ایران، بار را در مبدأ تحویل می‌دهند و ریسک‌های بعدی را بر عهده خریدار گذاشته‌اند. علاوه بر این، جنگ باعث شده است فروشندگان کالا را به صورت نقدی بفروشند و وزیر با معاملات اعتباری نروند. همین مسئله هزینه تأمین مالی واردات را افزایش داده است که این افزایش هزینه حدود ۲.۵ درصد نسبت به کل قیمت کالا برآورد می‌شود. این در شرایطی است که قبل از جنگ بازرگانان ایرانی معمولاً خریدهای اعتباری را بین سه تا شش ماه انجام می‌دادند، ولی پس از جنگ ناچار شده‌اند به اصرار فروشندگان خارجی، کل وجه را قبل از بارگیری تسویه کنند. پس از جنگ کرایه حمل داخلی کالا هم صعودی بوده و چیزی حدود ۳۰ درصد به کرایه حمل کالا از بنادر افزوده شده است. گذشته از این، آسیب‌دیدن برخی صنایع مادر در جریان جنگ هزینه بسته‌بندی مواد غذایی را به‌طور قابل ملاحظه‌ای افزایش داده است.

گزارش کامل را در سایت شرق بخوانید

آخرین وضعیت توسعه فاز ۱۱ در دولت چهاردهم

نصب جکت ۱۱ا با بیش از ۷۰۰ متر شمع‌کوبی تکمیل شد

شده که بر خود لازم می‌دانم از زحمات تیم پروژه تشکر کنم.» شایان ذکر است، گروه پتروپارس پیش از این با اتصال یازدهمین حلقه چاه فاز ۱۱ به سکوی بهره‌برداری موقعیت B و خط لوله ۳۲ اینچ، تولید گاز این سکوا را به ۹۱۵ میلیون فوت مکعب استاندارد در روز رسانده بود. حفاری چاه دوازدهم نیز اکنون مراحل پایانی را طی می‌کند و پس از تکمیل و راندازی، این چاه به مدار تولید فاز ۱۱ می‌پیوندد.

در کمتر از ۵۴ روز پشت سر گذاشته و اکنون در آخرین مقطع حفاری فعالیت می‌کند. پس از پایان این مرحله، عملیات تکمیل و آماده‌سازی چاه برای ورود به مدار تولید آغاز خواهد شد.» دکتر تقفی در پایان با اشاره به هماهنگی بین تیم‌های مختلف پروژه در این پروژه تأکید کرد: «تکمیل نصب جکت موقعیت A، پیشرفت ساخت عرشه ۱۱A و ادامه حفاری در موقعیت B با همکاری کارفرما، پیمانکاران و گروه‌های اجرایی پروژه امکان‌پذیر

گروه پتروپارس، به‌عنوان یکی از شرکت‌های زیرمجموعه وزارت نفت، عملیات نصب جکت موقعیت A فاز ۱۱ پارس جنوبی را با پایان عملیات کوشش شمع‌ها (Hammering) و اجرای نزدیک به هزار متر شمع‌کوبی تکمیل کرد. این عملیات در شرایط خاص آب‌وهوایی خلیج فارس و هم‌زمان با نقض آتش‌بس در جنوب کشور ادامه یافت و با تثبیت کامل سازه در بستر دریا به پایان رسید. به گزارش روابط عمومی و امور بین‌الملل گروه پتروپارس، دکتر حمیدرضا تقفی، مدیرعامل گروه پتروپارس، با اعلام پایان عملیات نصب جکت موقعیت A گفت: «با نصب و تثبیت این جکت، یکی

از مراحل اصلی توسعه مری‌ترین و آخرین فاز میدان مشترک پارس جنوبی تکمیل و زیرساخت لازم برای استقرار عرشه ۱۱A در این موقعیت آماده شد. برنامه‌ریزی و اجرای این عملیات پیچیده فراساحلی نیز با استفاده از توان متخصصان ایرانی انجام شد.»

دکتر تقفی با اشاره به اقداماتی که در دولت چهاردهم برای تکمیل این سازه انجام شده است، افزود: «عملیات عمودسازی (Roll-out) و بارگیری (Load-out) جکت ۱۱A در دولت چهاردهم انجام شد و پس از انتقال سازه به دریا، مراحل نصب، کوبش شمع‌ها و تثبیت آن نیز به پایان رسید.» مدیرعامل گروه پتروپارس درباره ادامه فعالیت پروژه در شرایط جنگی خاطرنشان کرد: «در دوران جنگ تحمیلی دوم و سوم، برنامه اجرایی پروژه با شرایط موجود تطبیق یافت و جبهه‌های کاری فعال و پس از نقض آتش‌بس در جنوب کشور نیز عملیات نصب جکت موقعیت A متوقف نشد و گروه‌های اجرایی با رعایت الزامات ایمنی، کار را تا پایان ادامه دادند.»

وی درباره سیاست‌های وزارت نفت در توسعه میدان‌های مشترک اظهار کرد: «در دوره وزارت مهندس محسن پاک‌نژاد، تکمیل زیرساخت‌های توسعه‌ای و افزایش ظرفیت تولید در میدان‌های مشترک از برنامه‌های اصلی وزارت نفت بوده است. فعالیت‌های فاز ۱۱ نیز بر همین اساس در بخش‌های تولید، حفاری، ساخت عرشه و نصب سازه‌های دریایی به‌موازات یکدیگر پیش رفته‌اند.» دکتر تقفی ادامه داد: «گروه پتروپارس به‌عنوان بازوی اجرایی شرکت ملی نفت ایران، در ۱۸ ماه نخست دولت چهاردهم، ظرفیت تولید گاز از فاز ۱۱ پارس جنوبی دو برابر و تعداد چاه‌های حفاری‌شده این فاز از چهار حلقه به ۱۱ حلقه افزایش داد و برنامه توسعه این فاز را در بخش‌های مختلف دنبال می‌کند.» وی با اشاره به آخرین وضعیت ساخت عرشه موقعیت A افزود: «ساخت عرشه ۱۱A اکنون حدود ۵۰ درصد پیشرفت دارد و فعالیت‌های مهندسی، تأمین کالا و ساخت آن برای آماده‌سازی عرشه و ادامه مراحل توسعه موقعیت A در حال انجام است.» مدیرعامل گروه پتروپارس درباره وضعیت حفاری در موقعیت B نیز توضیح داد: «حفاری چاه دوازدهم این موقعیت به مراحل پایانی رسیده است. گروه حفاری، مراحل اصلی عملیات را

www.sharghdaily.ir

یادداشت

امنیت غذایی باصلاح قیمت؟

آرتاک سعیدیان، اقتصاددان: افزایش

مستمر هزینه‌های تولید در بخش دامداری، در کنار تداوم تورم و احتمال افزایش قیمت سوخت، رنک خطر تازه‌ای را برای بازار گوشت و لبنیات به صدا درآورده است؛ بازاری که هرگونه شوک قیمتی در آن، تنها یک مسئله اقتصادی نیست، بلکه مستقیماً با امنیت غذایی و سلامت خانوارها ارتباط دارد. در ماه‌های اخیر، دامداران با افزایش هزینه خوراک دام، دارو، انرژی، نگهداری، نیروی انسانی، حمل‌ونقل و سایر نهاده‌های تولید مواجه بوده‌اند. این افزایش هزینه‌ها در حالی اتفاق افتاده که قدرت خرید مصرف‌کننده نیز تحت فشار قرار دارد و بازار دیگر ظرفیت نامحدودی برای انتقال هزینه‌های جدید به قیمت نهایی کالا ندارد.

اما اقتصاد یک زنجیره است و هزینه‌ها در نهایت‌برای خود را به سمت بازار مصرف پیدا می‌کنند. وقتی هزینه تولید افزایش پیدا می‌کند، دامدار نمی‌تواند برای همیشه این افزایش هزینه را از جیب خود پرداخت کند. اگر قیمت فروش محصول متناسب با هزینه تمام‌شده افزایش پیدا نکند، حاشیه سود تولیدکننده کاهش می‌یابد و ادامه تولید برای بخشی از فعالان این بخش دشوار خواهد شد. نتیجه چنین وضعیتی می‌تواند کاهش تولید، کاهش عرضه و در نهایت افزایش بیشتر قیمت‌ها باشد.

سوخست: متغیری که می‌تواند گرانی را

تشدید کند

در این میان، موضوع افزایش احتمالی قیمت سوخت اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. سوخت تنها یک قلم هزینه برای دامدار یا کارخانه لبنیات نیست. افزایش قیمت بنزین و به‌خصوص گازوئیل می‌تواند در تمام زنجیره تولید و توزیع اثر بگذارد؛ از حمل خوراک دام و نهاده‌ها گرفته تا انتقال دام، شیر خام، محصولات لبنی و توزیع آنها در شهرها. بنابراین اگر افزایش قیمت سوخت در کنار تورم موجود قرار بگیرد، بخش تولید با یک فشار مضاعف مواجه خواهد شد. ممکن است افزایش هزینه سوخت در نگاه اول تنها چند درصد به هزینه یک محصول اضافه کند، اما زمانی که این افزایش در چند مرحله از زنجیره حمل‌ونقل و توزیع تکرار شود، اثر نهایی آن می‌تواند درخور توجه باشد. این یعنی بازار گوشت و لبنیات در برابر یک ترکیب پریسک از افزایش هزینه نهاده‌ها، تورم عمومی و افزایش احتمالی هزینه حمل‌ونقل قرار دارد. اگر سیاست‌گذار در هفته‌های پیش‌رو برای کاهش هزینه تولید و حمایت هدفمند از دامداران اقدام نکند، احتمال انتقال بخش قابل توجهی از این فشار هزینه‌ای به بازار مصرف افزایش خواهد یافت. به همین دلیل، ریسک یک موج قابل توجه افزایش قیمت گوشت و لبنیات طی دو ماه آینده را نباید نادیده گرفت.

یادداشت کامل را در

سایت شرق بخوانید

آگهی فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله ای

شماره RND-0518043-MM

تحت عنوان خرید قطعات دستگاه اندازه گیری سولفور و کلر

شرکت پالایش نفت امام خمینی(ره) شازند در نظر دارد تأمین موضوع صدارالاشاره را از طریق مناقصه عمومی مطابق اسناد مناقصه به متقاضیان واجد شرایط واگذار نماید. شرکت‌های متقاضی می‌توانند جهت دریافت اطلاعات بیشتر و شرایط شرکت در مناقصه به سایت اینترنتی شرکت پالایش نفت امام خمینی(ره) شازند به آدرس **WWW.IKORC.IR** مراجعه نمایند.

۱- موضوع مناقصه :

(الف) شرح مختصر:

ردیف	شماره مناقصه	موضوع مناقصه	تعداد/مقدار	زمان تحویل کالا	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه (ریال)
۱	RND-0518043-MM	قطعات دستگاه اندازه گیری سولفور و کلر	۹ قلم/۱۴ عدد	۱۰ ماه پس از شروع قرارداد	۲.۳۱۳.۰۰۰.۰۰۰

- (ب) تضمین مورد قبول شامل :** ضمانتنامه بانکی / واریز وجه نقد / چک بین بانکی / چک تضمینی
- (ج) مناقصه گزار در رد یا قبول هر یک یا تمام پیشنهاده‌ها بدون آنکه محتاج به ذکر دلیل باشد مختار است.**
- ۲- اشخاص** واجد شرایط متقاضیان جهت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی مناقصه بر اساس تاریخ های مندرج به شرح ذیل به آدرس اینترنتی فوق الذکر مراجعه و پس از دریافت اسناد و مطالعه آن، مستندات ارزیابی کیفی مورد نظر را در قالب یک فایل با نام موضوع مناقصه در قالب لوح فشرده و طبقه بندی شده بشرح مصرحه در فرم ارزیابی کیفی در مهلت مقرر به آدرس مندرج در ذیل آگهی فراخوان تحویل و یا ارسال نمایند. بدیهی است پیشنهاد هایی که با شرایط مندرج در فراخوان اختلاف داشته و یا بعد از مهلت مقرر در متن فراخوان ارسال گردند ترتیب اثر داده نخواهد شد. ضمناً پس از مراحل ارزیابی کیفی متقاضیان، از شرکت های واجد شرایط تأیید شده جهت ادامه فرآیند مناقصه دعوت به عمل خواهد آمد.
- ۳- مهلت ارسال تقاضا (اعلام آمادگی) و دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی:**
- ۳-۱- مهلت ارسال تقاضا و دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی :** از روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۲ لغایت روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۳
- ۳-۲- آخرین مهلت ارسال اسناد استعلام ارزیابی کیفی :** روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۱
- ۴- نام و نشانی دستگاه مناقصه گزار:** اراک، کیلومتر ۲۰جاده بروجرد- دو راهی شازند- شرکت پالایش نفت امام خمینی (ره) شازند
- ساختمان شهید احمدی روشن- معاونت بازرگانی- اتاق ۶
- تلفن تماس:** ۰۸۶-۳۳۴۹۲۸۳۳ (آقای مظاهری) یا ۰۸۶-۳۳۴۹۲۹۱۱
- فکس:** ۰۸۶-۳۴۱۶۶۲۴۳ یا ۰۸۶-۳۴۱۶۶۰۱۳

روابط عمومی و بین الملل شرکت پالایش نفت امام خمینی (ره)شازند